



### اعتقاد به وجود امام عصر(ع) یک وظیفه عملی و دفاع از حیثیت اسلام است

آیت الله میرعظیمی گفت: اعتقاد به وجود امام عصر (عجل الله) تنها یک عقیده نیست بلکه یک وظیفه عملی و دفاع از ماهیت و حیثیت اسلام است.

آیت الله میرعظیمی گفت: اعتقاد به وجود امام عصر (عجل الله) تنها یک عقیده نیست بلکه یک وظیفه عملی و دفاع از ماهیت و حیثیت اسلام است.

به گزارش خبرنگار مهر، یادداشت زیر متن سخنرانی آیت الله سید مختار میرعظیمی، استاد حوزه علمیه قم به مناسبت نیمه شعبان است که در ادامه می آید؛

در نیمه شعبان و میلاد پر خیر و برکت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرداختن به موضوع امامت از هر موضوع دیگری ضروری تر است که چرایی آن در ادامه خواهد آمد. برای ورود به مبحث امامت، پرداختن به اصل توحید و نبوت مقدماً امری لازم است.

هیچ موضوعی مهم تر و اساسی تر از اصل توحید در میان اصول دعوت به دین و به ویژه اسلام وجود ندارد و در هر عقیده اسلامی، نمود تفکر توحیدی است که به آن ارزش می دهد. اصل این است که انسان به واسطه مدنی الطبع بودن، نیازمند به برنامه ای است که سعادت دنیوی و اخروی او را تأمین کند. در وضع قوانین و تشریع شرایع و احکام، در دیدگاه توحیدی تنها مقام ذی صلاح فقط خداوند متعال است، خالق که به همه مصالح و مفساد، باطن و ظاهر، نیازهای فردی و اجتماعی او اشراف و آگاهی دارد و متهم به منفعت طلبی در تدوین آنها نیست و این بیانگر لزوم وحی از جانب پروردگار برای بندگان است که اصل نبوت را لازم می گرداند.

در بینش اسلامی ولایت مطلقه و احاطه خداوند بر قدرت و حتی اختیار انسان، بسیار وسیع و غیر قابل انکار است. لازم به ذکر است که ولایت خداوند بر دو گونه تکوینی و تشریعی است و منظور از ولایت مطلقه خداوند بر بندگان، همین ولایت تکوینی است که بر هر چیز ثابت و شامل حال کلیه بندگان (مؤمن و غیرمؤمن) است که اختیار بندگان از جمله مظاهر این ولایت است و او چه بخواهد و چه نخواهد مختار است، چنان چه خداوند در سوره آل عمران می فرماید: *وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ*؛ (تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر فرمان او تسلیم هستند و همه به سوی او رجوع خواهند کرد.) از کلام خداوند و روایات ائمه معصومین(علیهم السلام) که در مورد ولایت تکوینی آمده است، چنین استنباط می شود که ولایت و تدبیر کائنات و امر خلق و ممات و زنده کردن و رزق و امساک و حفظ کرات و آسمان و زمین و اداره عالم امکان، مخصوص ذات بی زوال یگانه خداوند سبحان بوده و شریک و همتایی ندارد.

اما قسم دیگر ولایت یا تشریع طبق آیه *وَلِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ*؛ ولایت و تصرف در امور اختیاری عبد است که به صورت وحی و دعوت انبیاء، هدایت، توفیق، امر و نهی تکالیف الهی و عنایات غیبی نسبت به مؤمنین و کسانی که زمینه قبول و پذیرش ولایت را دارند، محقق می شود که نقطه مقابل آن، ولایت شیطان و طاغوت است که طبق تصریح قرآن مراتب مختلفی دارد: *خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً*؛ (بردلها و گوشهای آنان مهر نهاده و بر چشمهای آن ها پرده ای افکنده شده است).

رسالت کلی همه پیامبران دعوت به پرستش خدای سبحان، اعتراف به یکتایی و تسلیم در برابر او و پذیرش احکام و دستورات الهی است. دعوت به توحید با تکیه بر عقل و فطرت، مرحله اول دعوت انبیاء در ولایت تشریعی است که معادل با نبوت عامه است یعنی اموری که عقل حسن و قبح ذاتی آنها را درک می کند. پیامبران از کسی نمی خواهند که تعبداً و بدون دلیل دعوت آنها را بپذیرد، بلکه به بیداری فطرت‌های می پردازند که در نهاد همه انسانها به صورت غریزی و یکسان یافت می شود که حضرت علی (علیه السلام) در بیانی فوق العاده در خطبه اول نهج البلاغه به آن پرداخته اند.

هدف ثانویه دعوت پیامبران ایمان به رسالت و وحی است که بر آنها نازل می شود. تعیین مصادیق ظلم و ستم، خیانت و عدل، امانت و احکام و برنامه ها در محدوده ی این مرحله و شامل کسانی است که با عبور از مرحله اول و بیداری فطرت به مرحله بعدی یعنی به درجه ایمان به خدا و عالم غیب نائل گشته اند و در چنین آیاتی، مخاطب و عاملان به احکام، اهل ایمان در هر عصری هستند.

طبق تصریح قرآن، خداوند ایمان به همه پیامبران و دعوت به خصوص هر یک از آنها به توحید را با توجه به شؤونات و شرایط زمانه شرط دینداری می داند و اسلام به معنای تسلیم واقعی، هر چند عنوان دعوت رسول اکرم است ولی در هر زمانی مصداقی از دعوت پیامبر زمان خود را داشته است و لذا اسلام ناب محمدی به عنوان اسلام خالص و کامل معرفی شده است. چنانچه در قرآن می خوانیم: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق) آیینی برای خود انتخاب کند از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است). همچنین در آیه ای دیگر می فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است).

عناوینی مثل یهودیت و نصرانیت معرف پیامبران نیستند، زیرا هدف اساسی، ایمان به دین حضرت موسی و حضرت عیسی نیست بلکه هدف، ایمان به فرامین و دستورات الهی یعنی همان مبدأ مشترک است، پیامبران واحدی که پیامی واحد دارند و خداوند همه آن ها را امت واحده معرفی کرده و می فرماید: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (و این امت شما، امت واحدی است و من پروردگار شما هستم پس از (مخالفت) من بپرهیزید). بنا بر تدبیر و عنایت خداوند، اسلام بر اساس دانش و ظرفیت و یافته های بشر در مراحل مختلف و در زمان هایی تعیین شده توسط انبیاء الهی ارائه شده تا باری سنگین تر از توانایی او نباشد و خداوند خواهان همان است که در هر مقطعی بر بشر ارائه کرده است و تکلیف بشر بنا به آیه مبارکه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» به اندازه کفایت او بر دوش او گذاشته شده است. با ارائه اسلام کامل توسط پیامبر خاتم حجت بر بندگان تمام شده و تسلیم واقعی معادل با تبعیت کامل از فرامین دین او معرفی گشته است و اعلام شده که دیگر هرگز نیازی به دین جدید نخواهد بود و همین مطلب مؤید کفایت یک دین واحد برای جهانیان است.

سؤال مهم و اساسی این است که پس از پیامبر خاتم و بسته شدن باب نبوت، تکلیف نبوت با همه تعالیم و رنج و مشقت آن چه خواهد بود؟ اسلام خالص چگونه تا ابد جاودان خواهد ماند و صیانت از فرامین آن و جلوگیری از انحرافات که دستخوش ادیان پیشین بوده است، وظیفه چه کسانی است؟

پاسخ این است که نمود دیگر لطف و عنایت خدا بر بندگان و لزوم ولایت الهی و تداوم آن بعد از بسته شدن باب نبوت، محور و جریانی به نام "امامت" را مطرح می سازد که با گشایش این باب، شعاع توحید در زندگی بشر همچنان امتداد می یابد. بنا بر فیاضیت و رحمانیت خداوند، مسئله نظام و برنامه اداره امور در هیچ مرحله ای از آغاز تا پایان خلقت، به خودی خود رها نشده و دینی که در بردارنده کلیه امور حتی، مکروهات و مستحبات است، در حساس ترین مرحله رشد نیز امت را سرگردان رها نکرده و دستور و برنامه جامعی به نام امامت ارائه داده است تا جایی که اکمال دین را در مشخص کردن امام و معرفت امام می داند.

درلسان قرآن، نهج البلاغه و احادیث و روایات، امامت نیز مانند ارائه دین و نبوت، با تمام ابعاد عمیق و ارزنده اش مثل خلافت، جانشینی، مدیریت امور عامه و حکومت بین مردم، نصب و جعل الهی بوده و فقط در صلاحیت پروردگار است. امامت مقامی انحصاری برای کسانی است که از جانب خدا و به نص پیامبر، مأمور به تبیین جزئیات دین و رهبری خاص جامعه اسلامی می گردند که به واسطه عصمت و صلاحیتشان، همچون پیامبر دغدغه ای جز هدایت بشر ندارند و کارگزاران خدا، نگهبان امر و شرع خدا و گواهان بر خلق خدا و در قیامت مدافع پیروان خود و شفعاء آنها می باشند. شارح کتاب خدا و سنت پیامبر هستند و هر کس تند رفته باشد باید باز گردد و آنان که کُند می روند باید خود را به امام برسانند. امام از حق و قرآن جدا نمی شود، ارکان اسلام و پناهگاه و ملجأ مردم است و حق به واسطه آنها در میزان و معیار خود قرار میگیرد. امام مظهر صفات و اسماء الهی است و کسی که متصل و متعهد به اصل امامت می گردد در حقیقت دو سر ریسمان نجات را در دست دارد و به ثبات و عمق ایمان خود به پروردگارش مهر تضمین و قبولی می زند و با ارج نهادن بر مقام امامت و تبعیت از این مجموعه الهی، نمودی از قدردانی خود از لطف خدا را به ظهور می رساند و اجر رسالت پیامبر مهربانی ها را می پردازد و با التزام به این اصل، پابندی و ایمان خود به 124000 پیامبر را نیز به اثبات می رساند.

اصلت توحیدی امامت نیز از آنجا به دست می آید که بر حسب عقیده توحیدی، حکومت و ولایت و مالکیت حقیقی و مطلق، مخصوص خداست. هیچ کس در عرض خدا حتی بر نفس خود ولایت و سلطنت تکوینی و تشریعی ندارد، تا چه رسد به این که ولایت و حکومت بر دیگری داشته باشد. بنابر این هر حکومتی که به اذن خدا و از جانب خدا نباشد مداخله در کار خدا و طاغوت است و فرمانبرداری از آن نیز همان پذیرش طاغوت است. در مقابل این جبهه، هر ولایتی که از جانب خدا و مستند به او باشد، با اذن و فرمان پروردگار، اصیل و معتبر است که پرداختن به آن مجال طولانی می خواهد.

پیامبر در خطبه غدیر در میان جمع کثیری از مسلمانان بعد از طرح مسئله امامت و معرفی جانشین خود از طرف خداوند و نشان دادن چهره امام علی (علیه السلام) برای حاضران و اتمام حجت، در بیاناتی صریح حتی خصوصیات آخرین امام را نیز بیان فرمودند و تأکید کردند که ولایت، با ایمان و معرفت نسبت به همه آنها تکمیل یافته و پذیرفته می شود و پیام &laquo;اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِیْنَکُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیْتُ لَکُمُ الْاِسْلَامَ دِیْنًا&raquo; ( امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.) را به گوش جهان رسانید تا رضایت خداوند را از این ابلاغ عظیم کسب کرده باشد.

بر این اساس است که شیعیان معتقدند که در این امت بعد از پیامبر اکرم دوازده نفر به ترتیب از حضرت امیرالمؤمنین تا امام دوازدهم حضرت مهدی حجت بن الحسن (سلام الله علیهم اجمعین) از جانب خداوند، امام و ولی وقت و خلیفه رسول خدا می باشند. در این میان حضرت صاحب الامر از سوی پیامبر خدا و یازده امامی که بعد از رسول خدا امامتشان ثابت است به امامت معرفی شده اند و لذا طبعاً نص بر امامت آن حضرت از نص بر امامت سایر ائمه بیشتر است و همه نصوصی که در اعلام امامت ائمه قبل از آن حضرت است، حتی نصوص ثقلین و غدیر بطور مستقیم و یا غیر مستقیم، نص بر امامت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) می باشد و جالب این است که علاوه بر نصوص اسلامی بر امامت ائمه اثنا عشر (علیهم السلام) در کتب عهد عتیق و عهد جدید، انجیل و زبور نیز به صراحت و اشاره بر امامت این بزرگواران از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) تا حضرت ولی الله مهدی منتظر (عجل الله) در موارد متعدد تنصیب شده است و هر کتابی با توجه به ویژگی های خاص خود و با زبان مختص خود، آنها را معرفی کرده است. امامت با حضرت علی، یار و برادر پیامبر اسلام آغاز می شود، با امام حسین، چهره فداکار و ایثارگر دین احیا می گردد و با مهدی موعود، منجی و امید جهان خاتمه می یابد.

در روایتی آمده است که از امام محمد باقر (علیه السلام) سؤال شد که آیا شناخت شما خاندان آگاه ساز بر همه مردم واجب است؟ فرمودند: ( خداوند عزوجل حضرت محمد (صل الله علیه و آله) را به عنوان رسول و حجت الهی بر همه مردم جهان برانگیخت، پس هر آن که به خداوند و حضرت محمد (صل الله علیه و آله) رسول خدا ایمان آورد و از او پیروی کند و رسالتش را تصدیق نماید، بر او واجب است امام زمانش را که از ماست، باز شناسد و هر آن که به خدا و رسول او ایمان نیاورده، از وی تبعیت نکرده، او را تصدیق ننموده و حق خدا و رسول او را نشناخته است؛ چگونه بر او شناخت واجب می شود، در حالی که هنوز به خدا و رسول او ایمان نیاورده و حق آنها را نشناخته است. در حالی که خداوند در قرآن فرموده: &laquo;يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ&raquo; (ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا و رسول و اولیای امر خودتان را اطاعت کنید.) همچنین پیامبر اکرم در حدیثی فرموده اند: (هر کس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.)

حساسیت و اهمیت بحث امامت و ارتباط آن با تمام ابعاد اعتقادی در طول تاریخ اسلام، خود وسیله ای برای غربالگری و زمینه امتحانی سنگین از معتقدان در دوره زندگی هر امامی با شرایط و ویژگیهای مخصوص آن گشته است که شامل زمان ما نیز می گردد. در زنجیره ولایت خداوندی بر بشر توسط اوصیاء الهی و با توجه به دستورات و سفارشات پیامبر، ابلاغ پیامبر در روز غدیر از همان روزهای آخر عمر مبارک پیامبر نادیده گرفته شد و انحراف از مسیر واقعی حکومت اسلامی واقع شد و جدا شدن مسیر حکومت از امامت، زندگی امامان را تحت الشعاع قرار داده و باعث شهادت مظلومانه آنان شد. شرایط پیش آمده و لزوم حفاظت از آخرین امام برای تحقق وعده الهی در زمان مقرر آن و ویژگیهای بسیار خاص در زمان امامت خاتم اوصیاء تکالیف بسیار ویژه ای را به همراه داشته و باعث شد باب جدیدی به نام "مهدویت" و "انتظار مهدی موعود" را در میث امامت مطرح سازد که سنگینی و اهمیت آن طبق روایات ترازوی سنجش ایمان مدعیان گشته است. بازار داغ دشمنی ها و شبهه افکنی ها در نوع خاص دوره امامت حضرت مهدی و ارتباط تنگاتنگ آن با اتفاقات آخرالزمان، نشان از شرایط حساسی دارد که بانگ بیدار باش و سختی راه آن در قالب روایات بسیاری به دست ما رسیده است.

صیانت از امامت و امام شناسی این روزها از مهمترین مسائل در میان انبوه عقاید و تفکرات انحرافی و شبهات است که پرداختن تخصصی و به روز در این حیطه می تواند پاسخ بسیاری از سؤالات باشد. خلق و پرورش جریانهای نوظهور و انحرافی، فرقه پروری، تفرقه در امت اسلامی، کشتار مسلمین به دست جریانهای مدعی مسلمانی، شبهه در اصل وجود مقدس امام عصر، مشغول شدن به مسائل جزئی تر قبل از تبیین و شفاف سازی اعتقادات بنیادین اسلامی در جوانان و هزاران نکته قابل توجه که بررسی آنها در لیست وظایف هر مسلمانی به خصوص متخصصان این حوزه است، پاسخی جز بارور کردن و پرداختن به تعالیم ریشه ای اسلام در سطح بسیار وسیع ندارد.

روشن است که اعتقاد به وجود امام عصر (عجل الله) تنها یک عقیده نیست بلکه یک وظیفه عملی و دفاع از ماهیت و

حیثیت اسلام است. دشمنان قسم خورده اسلام و شیعیان با ایجاد تفرقه و شبهه افکنی سعی بر این دارند که اعتقادات ما را زیر سؤال برده و آن ها را به صورت چالشها و معضلاتی در مقابل پیشرفت و تکنولوژی امروز وانمود کنند. دیر زمانی است که دو پایه اسلام که «فرهنگ عاشورا» و «فرهنگ مهدویت» است به طور جدی و وسیع با صرف هزینه های کلان از سوی دشمنان دیرینه اسلام که فقط پوستین آن ها تغییر کرده، مورد تهاجم و حمله شدید فرهنگی و سیاسی قرار گرفته است. اینک این وظیفه و تکلیف بر ما مسلم و ثابت است که با تمام قوا و هر اقدام مؤثری به خنثی کردن این فتنه ها بپردازیم و از یاد نبریم که شور حسینی با لبیک به امام عصر(عجل الله) زنده و پا بر جا می ماند و ادامه فریاد «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین (علیه السلام) از سینه مبارک امام زمان(عجل الله) در همه جای گیتی برای آنان که گوشی شنوا دارند، قابل شنیدن است و همراه و یاور و مبارز واقعی می طلبد. عمل به شؤن انتظار بسی سخت تر از شعار آن است که در کوچکترین و جزئی ترین مراحل زندگی باید نمودار گردد. در اهمیت پرداختن به اهم مسایل در میان همه مسائل مهم روز و اقبال عقیده و قدرت شیعه در عصر حاضر، همین اعتراف کفایت می کند که فرانسیس فوکویاما فیلسوف و سیاستمدار پر آوازه تبعه آمریکا گفته است: ( شیعه پرنده ای است که افق پروازش بسیار بالاتر از تیرهای ماست. پرنده ای است که دو بال دارد. بال سبز این پرنده مهدویت و عدالت خواهی و بال سرخ آن شهادت طلبی است که ریشه در کربلا دارد. این پرنده زرهی به نام ولایت پذیری به تن دارد که او را فنا ناپذیر کرده است.) وعده تحقق حکومت عدل الهی در قالب آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَنُكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ ... » ( و می خواهیم بر آنان که در زمین مستضعف شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و ایشان را در زمین مکتب و توان بخشیم ....) خواب و آرامش را از مستکبران گرفته و در مقابل مستضعفان جهان را امید و دلگرمی داده است.

پیامبر اکرم می فرمایند: ( یا علی! آگاه باش که بالاترین مردم به لحاظ یقین، گروهی هستند که در آخر الزمان خواهند بود. با توجه به این که پیامبر را درک نکرده اند و با او نبوده اند و امام آنها هم از آنان غایب بوده است، در عین حال از روی نوشته بر کاغذ سفید ایمان می آورند.) امام سجاد نیز در روایتی دیگر می فرمایند: ( بی تردید مردم زمان غیبت مهدی، که امامت او را باور دارند و منتظر ظهور او هستند، از مردمان دیگر زمانها افضل و برترند، چون خدای متعال به آنان عقل و درک و قدرت شناختی داده که غیبت برایشان چون ظهور است. خداوند آنان را در آن زمان همپایه مجاهدان شمشیر زن زمان پیامبر اکرم قرار داده است. اینان اخلاص گزاران واقعی و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان مردم به خدا، در نهان و آشکار هستند.) خدای باری تعالی را به عزت و جلال بی منتهایش قسم می دهیم که مشمول همین توصیف زیبا و غرور آفرین باشیم و امید است که در هر سنگر و هر جایگاهی که هستیم بتوانیم در زمره یاران و همراهان این امام حاضر و ناظر باشیم.

صیانت از امامت و امام شناسی این روزها از مهمترین مسائل در میان انبوه عقاید و تفکرات انحرافی و شبهات است که پرداختن تخصصی و به روز در این حیطه می تواند پاسخ بسیاری از سؤالات باشد. خلق و پرورش جریانهای نوظهور و انحرافی، فرقه پروری، تفرقه در امت اسلامی، کشتار مسلمین به دست جریانهای مدعی مسلمانی، شبهه در اصل وجود مقدس امام عصر، مشغول شدن به مسائل جزئی تر قبل از تبیین و شفاف سازی اعتقادات بنیادین اسلامی در جوانان و هزاران نکته قابل توجه که بررسی آنها در لیست وظایف هر مسلمانی به خصوص متخصصان این حوزه است، پاسخی جز بارور کردن و پرداختن به تعالیم ریشه ای اسلام در سطح بسیار وسیع ندارد.

روشن است که اعتقاد به وجود امام عصر(عجل الله) تنها یک عقیده نیست بلکه یک وظیفه عملی و دفاع از ماهیت و حیثیت اسلام است. دشمنان قسم خورده اسلام و شیعیان با ایجاد تفرقه و شبهه افکنی سعی بر این دارند که اعتقادات ما را زیر سؤال برده و آن ها را به صورت چالشها و معضلاتی در مقابل پیشرفت و تکنولوژی امروز وانمود کنند. دیر زمانی است که دو پایه اسلام که «فرهنگ عاشورا» و «فرهنگ مهدویت» است به طور جدی و وسیع با صرف هزینه های کلان از سوی دشمنان دیرینه اسلام که فقط پوستین آن ها تغییر کرده، مورد تهاجم و حمله شدید فرهنگی و سیاسی قرار گرفته است. اینک این وظیفه و تکلیف بر ما مسلم و ثابت است که با تمام قوا و هر اقدام مؤثری به خنثی کردن این فتنه ها بپردازیم و از یاد نبریم که شور حسینی با لبیک به امام عصر(عجل الله) زنده و پا بر جا می ماند و ادامه فریاد «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین (علیه السلام) از سینه مبارک امام زمان(عجل الله) در همه جای گیتی برای آنان که گوشی شنوا دارند، قابل شنیدن است و همراه و یاور و مبارز واقعی می طلبد. عمل به شؤن انتظار بسی سخت تر از شعار آن است که در کوچکترین و جزئی ترین مراحل زندگی باید نمودار گردد. در اهمیت پرداختن به اهم مسایل در میان همه مسائل مهم روز و اقبال عقیده و قدرت شیعه در عصر حاضر، همین اعتراف کفایت می کند که فرانسیس فوکویاما فیلسوف و سیاستمدار پر آوازه تبعه آمریکا گفته است: ( شیعه پرنده ای است که افق پروازش بسیار بالاتر از تیرهای ماست. پرنده ای است که دو بال دارد. بال سبز این پرنده مهدویت و عدالت خواهی و بال سرخ آن شهادت طلبی است که ریشه در کربلا دارد. این پرنده زرهی به نام ولایت پذیری به تن دارد که او را فنا ناپذیر کرده است.) وعده تحقق حکومت عدل الهی در قالب آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى

الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَتَمَكَّنُ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ .... ( و می خواهیم بر آنان که در زمین مستضعف شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و ایشان را در زمین مکنت و توان بخشیم ....) خواب و آرامش را از مستکبران گرفته و در مقابل مستضعفان جهان را امید و دلگرمی داده است.

پیامبر اکرم می فرمایند: ( یا علی! آگاه باش که بالاترین مردم به لحاظ یقین، گروهی هستند که در آخر الزمان خواهند بود. با توجه به این که پیامبر را درک نکرده اند و با او نبوده اند و امام آنها هم از آنان غایب بوده است، در عین حال از روی نوشته بر کاغذ سفید ایمان می آورند.) امام سجاد نیز در روایتی دیگر می فرمایند: ( بی تردید مردم زمان غیبت مهدی، که امامت او را باور دارند و منتظر ظهور او هستند، از مردمان دیگر زمانها افضل و برترند، چون خدای متعال به آنان عقل و درک و قدرت شناختی داده که غیبت برایشان چون ظهور است. خداوند آنان را در آن زمان همپایه مجاهدان شمشیر زن زمان پیامبر اکرم قرار داده است. اینان اخلاص گزاران واقعی و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان مردم به خدا، در نهان و آشکار هستند.) خدای باری تعالی را به عزت و جلال بی منتهایش قسم می دهیم که مشمول همین توصیف زیبا و غرور آفرین باشیم و امید است که در هر سنگر و هر جایگاهی که هستیم بتوانیم در زمره یاران و همراهان این امام حاضر و ناظر باشیم.